



طرح علی عربی، نگاه تازه

به پرچم خسته کشورم خیره می شوم
در عصری

که دور تا دور ما را اسیم خاردار احاطه کرده است

در هیچ پرچمی نمی گنجم
من را در شولانی از گل میخک

دفن کنید

بر خط افق ایستاده ایم

و یکی یکی تاریک می شویم

علی عربی
(رمانیل)



طرح علی عربی، نگاه تازه

و من جسارت نازک یک فاحشه عجولم
با چشم هایی استعاراً
با گیسوانی استعاراً
یا قلم مویی که جهان از زیرش مرموزانه سر خورد
اگر مخصوصاً مرد
... اگر

از شکل کاپوچینوهای کافه که سرت را بلند می کنم تا لاس زدن
برج ایفل حقیقت می شود
کرگدنی مست حقیقت می شود
پشیمانی، خشونت، نوستالژی تو
و حقیقت که مفهومی ذهنی است حقیقت می شود
ای بابا اگر کله شق نبودم که این اباطیل را ...

تفسیر من نیست

خوایی است که تمییر شده است

در جهان کهکشانی است در هر کهکشان زمین
در هر زمین کشور و در هر کشور مرزی که مرا و تو را
که دارد می میرم توی این لایبیرت و مشکوک می زنی
و آنقدر عموخدا می عزیز را اذیت می کنی
که حکم صادر می کند

خودت را بمیران عزیزم خودت را بمیران
که اگر با کمر باریکم حافظ را دور می زنی

از ابتدای خیابان ولیعصر

و خط چشمی شاید حضرت ابوسعید را ...

نه عیسی مریم

نه سربازی فراری که به جستجوی فدکش دست در گریخت می کند
که اگر پروانه ای بالای سرم گنج می زند و پشانی ام را می بوسد
من شاید جسارت نازک یک فاحشه عجول
شاید نطقه شعرم

سارا تیزکار



طرح علی عربی، نگاه تازه

چقدر دلم برای پدرم می سوزد
بیچاره یک عمر به مادرم قناعت کرد
حالانه دنیای این چنینی دارد

و نه آخرتی آنجائی خواهد داشت

و خوش به حال حاجی،

تمام بیوه های شهر را سریناه است

و حاجی زاده ها در استخرهای سرپوشیده

سهم آبم را قورت می دهند

تا تشنگی ام را شنا کنم

معصومه آبرا



طرح علی عربی، نگاه تازه

تمام خیابانهای بالای شهر را

نامهای لادن، زیبا، آسمان

اشغال کرده اند

اما تمام کوچه های پایین شهر با مرد شروع می شوند

تا یادم هست

جنوب به شمال مرد صادر می کند

علی عربی
(رمانیل)



طرح علی عربی، نگاه تازه

محله ی ما، محله ی کولی هاست

همیشه به نان و نمک پسته می کنند

آنجا فقط

صف نانوايي شلوغ است

علی عربی
(رمانیل)